



حکومت ساسانیان

نرسی یا نرسه رومیها او را نارسس نامیده‌اند

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ - ۵ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

(نرسی) یا (نرسه) رومیها او را (نارسس) نامیده‌اند، از ۲۹۳ تا سال ۳۰۲ میلادی، (پادشاه ساسانی) بود. پدر او (شاپور یکم) بود. وی بجای بهرام سوم بر تخت نشست. (پیشینه نرسی) قدرت و نفوذ (کرتیر) (موبد متعصب زرتشتی)، در (دوران سلطنت بهرام دوم) افزوده شد و به جایی رسید که شاه وی را، عنوان نجات دهنده روحانی بهرام (بخت روان ورهران) لقب داد و دستش را به کلی، در قلع و قمع مخالفان آتشگاه و حتی در تعقیب پیروان ادیان دیگر گشاده کرد. به علاوه وی نه تنها نگهبان معبد (آناهیتا) در استخر گشت بلکه در زمره بزرگان کشور



(نرسی) یا (نرسه) رومیها او را (نارسس) نامیده‌اند، از ۲۹۳ تا سال ۳۰۲ میلادی، (پادشاه ساسانی) بود. پدر او (شاپور یکم) بود. وی بجای بهرام سوم برتخت نشست.

(پیشینه نرسی)

قدرت و نفوذ (کرتیر) (موبد متعصب زرتشتی)، در (دوران سلطنت بهرام دوم) افزوده شد و به جایی رسید که شاه وی را، عنوان نجات دهنده روحانی بهرام (بخت روان ورهران) لقب داد و دستش را به کلی، در قلع و قمع مخالفان آتشگاه و حتی در تعقیب پیروان ادیان دیگر گشاده کرد.

به علاوه وی نه تنها نگهبان معبد (آناهیتا) در استخر گشت بلکه در زمره بزرگان کشور هم درآمد و (رئیس دادگاه عالی مملکت) گردید.

نرسی عموی پدر بهرام دوم که فرمانروای ارمنستان بود و از زمان بهرام یکم، داعیه پادشاهی داشت، تدریجاً کسانی از نجبا را که از دار و دسته کرتیر و از سیاست بهرام دوم، ناراضی بودند، گرد خود جمع آورد.

بهرام دوم در پایان سلطنت خود، با شورش نرسی مواجه گشت و وقتی نرسی به اتکاء عده‌ای از بزرگان که تحمل سختگیری‌های مذهبی، بهرام و کرتیر برایشان مشکل بود، به نام خود سکه زد و ادعای شاهنشاهی خود را علنی

نمود، بهرام دوم، زندگی را بدرود گفته بود.

کرتیر موبد، پسر بهرام دوم، یعنی بهرام سوم (سکانشاه) را به جای او بر تخت سلطنت نشاند اما این بهرام نتوانست سلطنت را برای خود نگهدارد و حتی فرصت نیافت، سکه‌هایی را که به مناسبت تاجگذاری خویش ضرب کرده بود، رواج بدهد چون سلطنت او، مخالفانی را که از حکومت پدرش، ناراضی بودند را قانع نکرد و نظر ها، متوجه مدعی دیگر نرسی پادشاه بزرگ ارمنستان، شد که سلطنت را از مدتها پیش حق خود میدانست.

بدینگونه بهرام سوماز سلطنت برکنار شد اما او جان سالم بدر برده، در شرق ایران فرمانروای محلی شد.

کتیبه‌های مربوط به تاجگذاری نرسی

نرسی کیفیت تاجگذاری و سلطنت خداداد خود را، بر تخته سنگ نقش رستم حجاری کرده است و این همان نقش معروف است یعنی پادشاه، حلقه نوآردار را، که علامت پادشاهی است، از دست خداوند میگیرد. خداوند در اینجا، زنی است و تصور می‌رود که آن‌هایتا باشد. تاجگذاری باشکوه نرسی به فرمان او در سنگ‌نوشته‌ای در پایکولی در شمال قصر شیرین و در محلی که اکنون در نزدیک سلیمانیه خاک عراق است، بر کتیبه‌ای معروف نقش کردند.

(کشورداری در زمان نرسی)

قیام نرسی در واقع به قدرت کرتیر موبد متعصب و پر نفوذ دربار پایان داد. نرسی با پایان دادن به نفوذ ناخجسته موبدان متعصب، در واقع دوران پدرش شاپور یکم را که در آن هم نسبت به آیین مزدیسنان اظهار علاقه می شد و هم آیین مانی حق اظهار وجود داشت، زنده کرد و شاید با این دلجویی از مانویان، می خواست تا در پشت جبهه جنگ با روم، کسانی را که احیاناً در آن حدود به آیین تازه، گرویده بودند، نسبت به دولت خویش علاقمند و وفادار سازد. نرسی در دنبال از بین بردن نفوذ موبدان، قدرت بلامنازع خاندانهای بزرگ را نیز متزلزل کرد و با احیاء سلطنت مقتدر، هم روحانیان را بر سر جای خود نشاند و هم قدرت تهدید کننده دودمان‌های بزرگ و نجبا را محدود نمود.

(جنگ با روم)

نرسه پس از تحکیم بنیان فرمانروایی، به روم پرداخت و درصدد تهدید روم برآمد و مسئله ارمنستان را هم برای کشمکش بهانه ساخت. نرسی در آغاز کار، تیرداد سوم، پادشاه اشکانی ارمنستان را که برنشانده روم بود و در زمان بهرام دوم بر بخشی از ارمنستان تحمیل شده بود، از آنجا بیرون کرد. روم برای حمایت تیرداد افواجی گسیل کرد که در بین النهرین شمالی از سپاه نرسه، شکست خوردند. یک سال بعد نرسه با موکب و حرmsرای شاهانه، عازم ارمنستان گشت، به علت دورویی یا تزلزل نجبای ارمنی که با دشمن تبانی کرده بودند، در محلی نزدیک به ارزروم کنونی، نرسه، از سپاه رومی شکست خورد چون تعدادی از خویشان و کسان وی، از جمله زنش، ارسانه نام، با خزاین سلطنتی، به دست دشمن افتاد، نرسی ناچار شد، برای نجات آنها شرایط سنگینی را که روم برای صلح پیشنهاد می‌کرد، بپذیرد. سرانجام به استرداد اسیران رضایت دادند. نرسی جهت استرداد اسرا و درخواست صلح فرستادگانی نزد سردار فاتح رومی گالریوس فرستاد. سفیر نرسی برای خوش آمد رومی‌ها ایران و روم را تشبیه به دو چشم انسان کرده، گفت «چنانکه دو چشم انسان باهمند و قدر یکدیگر را میدانند، این دو دولت هم، باید همینطور باشند.» سردار رومی گالریوس چون رفتار توهین آمیز شاپور یکم پدر نرسی، با والرین، امپراتوری که به اسارت شاپور یکم درآمد، را در نظر داشت پرخاش کرده و سفیر را براند. فرستادگان مجبور شدند، رفتار پرخاش آمیز و انتقام جویانه سردار رومی را تحمل کنند. صلحی بین ایران و روم واقع شد و این صلح قریب چهل سال دوام یافت.

(عهد نامه نصیبین)

به موجب این عهد نامه که در سال ۲۹۸ میلادی بسته شد و چون منافع روم را در شرق، به قدر کافی تأمین می‌کرد تا چهل سال دیگر از جانب رومیان همچنان معتبر ماند.

- واگذاری پنج ولایتی که در ساحل رود دجله واقع بود.
- دجله سرحد دولتی شد.
- عدم دخالت ایران در امور ارمنستان و واگذاری قلعه زنتا، واقع در آذربایجان به روم.
- تسلیم بر اینکه مملکت ایبری (گرجستان) تحت الحمایه روم است.
- نصیبین یگانه محلی برای مبادله مال التجاره مابین ایران و روم خواهد بود. (این شرط را مینویسند که به خواهش نرسه حذف شده است.)

این شرایط آذربایجان و حتی تیسفون را بلاواسطه در مجاورت متصرفات روم قرار می‌داد و از این حیث نیز برای ایران

یک تهدید مستمر به شمار می‌آمد. تیرداد سوم نیز مجدداً بر ارمنستان تسلط یافت. عهدنامه نصیبین که در واقع پیروزی سیاسی دیوکلتیان، امپراتور روم به شمار می‌آمد برای نرسی که هنگام به تخت نشستن، رؤیای تجدید دوران شاپور یکم پدرش را داشت، چنان مایهٔ ننگ و خفت شد که وی بعد از امضاء آن، دیگر نتوانست سلطنت کند، چندی بعد استعفا کرد و ظاهراً از شدت ناراحتی و اندوه در سال ۳۰۲ میلادی درگذشت.

بهرام سومشاهنشاه ساسانی ۲۹۳ - ۳۰۲ میلادیپسین:

هرمز دوم

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «نرسی یا نرسه رومیها او را نارسس نامیده‌اند»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1022/pdf/نرسی-یا-نرسه-رومیها-او-را-نارسس-نامیده.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵